

# تحلیل

## در



پرزاد

### اشاره

رشد آموزش هنر با هدف هم‌افزایی در کیفی کردن شیوه‌های آموزش هنر در صدد است دیدگاه‌های دبیران هنر را انعکاس دهد. آنچه در جریان زنده و تازه تدریس می‌گذرد، همواره نیازمند واکاوی و بازبینی و به‌کارگیری شیوه‌های مناسب با موقعیت تدریس خواهد بود. در این گفت‌وگو با در نظر داشتن ضرورت‌های ذکر شده، پای صحبت دو تن از دبیران هنر همدان نشستیم. سعید دولتی سرگروه هنر استان همدان و هادی پرزاد (دبیر هنر هنرستان) همکاران هنر را با دیدگاه‌های خود آشنا می‌کنند. ضمن تشکر از این دو همکار، شما را به مطالعه این مصاحبه دعوت می‌کنیم.

✽ **تیموری:** در آغاز، از آقای دولتی می‌خواهم تصویری از وضعیت فعلی هنر استان و آنچه در فضای آموزش و پرورش می‌گذرد، برای خوانندگان بیان کنند؛ مثلاً اینکه در استان چند دبیر هنر داریم. اول هم لطفاً خود را معرفی کنند و از سابقه کارشان بگویند.

✽ **دولتی:** من دبیر آموزش و پرورش هنر استان همدان و نقاش هستم. تحصیلاتم در زمینه نقاشی است. فعالیت را به‌صورت نمایشگاهی و دبیری انجام می‌دهم. در استان همدان و در فضای آموزش و پرورش اگر دبیران تخصصی را بخواهیم بگوییم حدود ۶۰ تا ۷۰ دبیر تخصصی داشتیم که مسلماً الان بیشتر هم شده‌اند. الان نزدیک به ۹۰ تا ۱۰۰ نفر دبیر تخصصی داریم. با خروجی‌های آخری که تربیت معلم داشته حدود ۱۰۰ نفر دبیر داریم. در سه سال گذشته، کتاب‌های هفتم و هشتم و نهم تغییر کرده است و نواقص و سختی‌های بیش از حدی در این کتاب‌ها وجود دارد. به این ترتیب، کار برای دبیران غیر تخصصی خیلی سخت شده است و نیاز به دوره‌های



در گفت و گو

دبیران هنر شهر همدان

تخصصی و آموزش بسیار احساس می‌شود.

یادم می‌آید که شما در کلاس‌های توجیهی استان شرکت کردید. آیا این تجربه‌ها را به همکاران منتقل کردید تا برخورد قوام‌یافته‌تری با کتاب‌ها داشته باشند؟

**دولتی:** بله، ما آنچه را در مدت ۵ - ۶ روزی که در تهران در خدمت مؤلفان کتب جدید آموختیم، به همکاران انتقال دادیم ولی واقعیت این است که مطالب سنگین و ثقیل و حتی در بعضی جاها غیرمرتبط با بحث هنرند. بر این اساس، آموزش بخش‌هایی مثل موسیقی و آموزش‌هایی مثل هنرهای سنتی برای دبیر غیرمتخصص و حتی متخصص دشوار است.

در واقع، تجهیز فکری دبیران تخصصی هنر نسبت به کتاب‌های جدید هنر خیلی تأخیر دارد. به من بگویید که در کنار این ۱۰۰ دبیر متخصص که ارابه آموزش هنر را در استان به جلو می‌برند،

کسان دیگری هم هستند که تدریس می‌کنند؟  
معلمان غیر تخصصی را می‌گوییم.

**دولتی:** بله کاملاً، یعنی این تعداد دبیر متخصص کفاف ساعات هنر را نمی‌دهد و به همین دلیل، به راحتی از دبیران غیرمتخصص استفاده می‌شود.

شما که سرگروه هستید، وظیفه دارید سرکشی کنید و نظارت داشته باشید. آیا این امر انجام می‌شود؟

**دولتی:** بله، انجام می‌شود.

با این توصیف، آیا دبیر تخصصی هم که سرکلاس می‌رود، کلاس و تدریسش رضایت‌بخش است یا نه؟

**دولتی:** سؤال خیلی خوبی است. ما نمی‌توانیم فقط همین عامل را در نظر بگیریم و بگوییم



اثر سعید دولتی / تکنیک ترکیب مواد

❁ **دولتی:** بله، در بازرسی‌هایی که می‌رویم این‌ها کاملاً تشویق می‌شوند و از این‌ها خروجی و بازخورد بیشتری می‌بینیم. حتی نمایشگاه‌هایی از آثار دانش‌آموزان دارند و ساعات بیشتری گرفته‌اند و به نحو احسن هم دارند کار می‌کنند.

اگر کمی واقع‌بینانه‌تر به موضوع نگاه کنیم، چه نقاط مثبت و خوبی وجود دارد که در آن‌ها از سرمایه دبیران هنر غیرمتخصص استفاده شود؟ این‌ها نمایشگاه‌های خوبی از کار بچه‌ها می‌گذارند که موجب بالندگی بچه‌ها می‌شوند. این‌ها را بخواهیم ادامه دهیم شاهد چه نکاتی از این دست در استان هستیم؟ ما می‌خواهیم دیگران را در تجربه خود شریک کنیم.

❁ **دولتی:** حتی می‌توانم نام ببرم: «عرفان در پاییز» با همکاری گروه ادبیات و هنر؛ یک دبیر ادبیات شعر می‌گوید یک دبیر هنر یا آن را با خط می‌نویسد یا نقاشی می‌کند. نمایشگاه هم می‌زنیم. مثل نمایشگاه عرفان در پاییز (۱)

**چرا ما حتی یک گزارش یک خطی هم در مجله رشد هنر از این فعالیت شما نداشته‌ایم؟**

❁ **دولتی:** متأسفانه در این مورد، کوتاهی از ما بوده است!

به هر حال، این خلأ وجود دارد. من عرضم این است که اینجا چه اتفاقی افتاد؟ در خانه هنرمندان همین شکل اجرا را داریم. یادم می‌آید در پاریس و در یکی از مکان‌های هنری، حسین زنده رودی پارچه بزرگی روی زمین پهن کرده بود. نوازنده بزرگی در اتاق بغل نوایی را می‌نواخت و ایشان مبتنی بر این حس و حال، کار تجسمی روی پارچه انجام می‌دادند. این پرفرمنسی که اشاره شد، در واقع به نوعی تلفیق هنرهاست. گفتید که خوش‌نویس و نقاش شعری را که یک شاعر در حال سرودن آن است، تصویر می‌کند. این تأثیرش چه بوده است؟ این

که چون دبیر تخصصی است، کارش را به نحو احسن انجام خواهد داد. خیلی از دبیران تخصصی را هم داریم که به دلایل مختلف، مثلاً به لحاظ مالی یا به لحاظ کم‌حوصلگی و چیزهای جانبی، به آن شکلی که باید، به تدریس نمی‌پردازند.

ناگفته نماند که دبیران غیرمتخصصی هم داریم که خیلی خوب کار می‌کنند؛ حتی بهتر از دبیران متخصص. چرا؟ چون در بیرون دوره‌هایی دیده و تخصص‌هایی به دست آورده‌اند و وقتی هم که می‌آیند، با احساس مسئولیت و توانایی در کار، خلأ تحصیلات غیرمرتبط خود را پر کنند.

**شما به عنوان سرگروه، آیا این افراد را شناسایی کرده‌اید که از آن‌ها بیشتر استفاده کنید؟**



## کار را برای بچه‌ها کردید یا برای معلمان؟

**دولتی:** این موضوع در بخش دبیران بوده است. ولی در سال‌های اخیر می‌شنویم که ای کاش این برای دانش‌آموزان هم باشد. البته برای دانش‌آموزان مسابقات دیگری گذاشته‌ایم؛ مثل تکنیک‌های تصویرگری.

آقای دولتی، شما که سرگروه آموزش هستید آیا تلاش کرده‌اید که نمایشگاه دانش‌آموزی ترتیب دهید؟ یعنی ماهانه ۱۰۰ تا معلم هنر می‌توانند بگویند ما در مدرسه نمایشگاه خلاقانه هزار نفر از بچه‌ها را می‌گذاریم. آیا این کار را کرده‌اید؟

**دولتی:** به‌صورت مدون نبوده است ولی به‌صورت مقطعی، همیشه شاهد این‌گونه نمایشگاه‌ها بوده‌ایم. البته این را با هر دبیری نمی‌شود کار کرد. بعضی‌ها می‌گویند ما این کار را انجام نمی‌دهیم ولی برعکس، خیلی‌ها هم هستند که همکاری می‌کنند. هر فصل یا هر ترم پایان کار از ما دعوت می‌کنند و ما می‌رویم و شرکت می‌کنیم و بازخورد خوبی هم داشته است.

در اینجا، از جناب پرزاد که مدرس هنر هستند، می‌خواهم خودشان را معرفی کنند و بگویند وضعیت تدریس هنر یا رشته تخصصی خودشان در استان چگونه است.

**پرزاد:** هادی پرزاد هستم و نزدیک به ۲۷ سال سابقه کار دارم. بیشترین تلاش من روی بخش آموزش و تدریس بوده است. تحصیلاتم کارشناسی هنر است و در تهران خوش‌نویسی و تذهیب و نقاشی خوانده‌ام ولی گرایشم گرافیک است.

تدریس هنر در همدان الان به چه صورت است؟ آیا شما در دوره اول متوسطه درس می‌دهید؟

**پرزاد:** در هنرستان مشغولم. در هنرستان چون درس حالت تخصصی پیدا می‌کند،

نسبت به دوره اول متوسطه به مراتب بهتر و جالب‌تر است. بچه‌ها با انگیزه‌اند و به خواست خود رشته هنر را انتخاب کرده‌اند و این خیلی مهم است.

## چه کنیم که این نگاه قوی‌تر شود؟

**پرزاد:** مشکل چه در مرکز و چه در شهرستان، مشکل فرهنگی است. قاعدتاً شما اگر نگاهی اجمالی و سرانگشتی داشته باشید، می‌بینید که در خانواده‌ها و فضاهای ما همیشه نگاه به هنر یک نگاه جانبی بوده است.

## اکنون چند هنرستان در همدان داریم؟

**پرزاد:** ۷ تا داریم و رشته‌های هنرستان هنرهای زیبا، رشته نقاشی، نمایش و گرافیک است. بچه‌ها از سال دوم متوسطه (دهم فعلی) وارد می‌شوند و سه سال فرصت تحصیل در هنرستان دارند.

بیشترین گرایش در چه رشته‌هایی دیده می‌شود؟

**پرزاد:** گرافیک، نقاشی و معماری، نمایش.

در مجموع، ما در این چهار یا ۵ هنرستان دخترانه و دو هنرستان پسرانه به‌طور میانگین حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر داریم. که البته این برای همدان کم است.

یعنی ظرفیت بالاتر از این است؟ چرا؟ استقبال کم است؟

**پرزاد:** در این مورد، مشکل فرهنگی داریم. با آقای فتوت (بنیانگذار هنرستان هنری) که صحبت می‌کردیم گفتند که «من سال ۶۶ که وارد شدم، ۱۰۰ نفر ثبت نام کردند. آزمون جامع کشوری که از ما گرفتند، از آن ۱۰۰ نفر، ۷۰ نفر وارد سال اول هنرستان شدند آن موقع دوره هنرستان چهار ساله بود».





## دو سال اول مشترک بود.

**پـرزاد:** به ایشان گفتم همدان نسبت به سی سال گذشته ۱۰ برابر بزرگ تر شده است. ده سال پیش ۱۰۰ نفر متقاضی تحصیل در هنرستان بود که ۷۵ نفر جذب شد و ما هر سال این را داشتیم. دو کلاس ۳۵ نفری تشکیل شد.

این حرفی که شما می‌زنید، ظرفیت شهر و استان همدان را می‌رساند. وظیفه آقای دولتی و همکارانش این است که دوره اول متوسطه را تربیت کنند و عشق به هنر را در دل این بچه‌ها بکارند که این‌ها وارد هنرستان شوند. به نظر شما این اتفاق می‌افتد؟

**پـرزاد:** همین را می‌خواستم عرض کنم. ما دو مشکل داریم: یکی مشکل فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها و مشکل دوم، فرهنگ‌سازی در جامعه و فضای آموزشی جامعه. فردی که فارغ‌التحصیل می‌شود و مثلاً گرافیک آموخته است، بعضی مواقع توسط همان جایی که در آنجا کارآموزی می‌کند، جذب می‌شود و در حد فوق‌العاده خوبی از طریق هنر امرار معاش می‌کند. ببینید در اینجا شغل خوب و بی‌دردسر و بی‌حاشیه‌ای برای فارغ‌التحصیل هنر به وجود می‌آید که خروجی تحصیل است.

شما دو مشکل را گفتید؛ پیشنهاد شما برای حل آن‌ها چیست؟

**پـرزاد:** گفتم که در خانواده‌ها مشخص می‌شود که الان خیلی‌ها واقعاً علاقه دارند ولی پدر و مادرها دوست ندارند بچه‌هایشان در رشته هنر تحصیل کنند.

در جشنواره «دانشجو معلم‌ها» با دانشجوها صحبت می‌کردیم. هفتاد، هشتاد درصد آن‌ها بچه‌های رشته‌های دیگر هستند. این‌ها حرف قشنگی می‌زدند. می‌گفتند اگر در کنار رشته تخصصی که داریم یک رشته هنری را دنبال کنیم، خیلی خوب است. خانواده هم باید این را برای خودش جا بیندازد که در کنار اینکه بچه‌ها دکتر و مهندس می‌شوند، بهره داشتن از هنری ارزشمند نوعی انبساط خاطر، اعتدال رفتار و

## تنظیم منش اجتماعی به همراه می‌آورد.

**پـرزاد:** این نکته خیلی مهم است. انسان از سه بعد تشکیل شده است: جسم، روح و روان. غذای جسم ما مشخص است. غذای روح عبادت است. غذای روان نیز می‌شود پرداختن به اموری که نام آن‌ها هنر است.

ارزیابی شما از کتاب‌های جدید هنر چیست؟ اگر نقدی دارید، بفرمایید و در کنار آن، راه‌حل‌ها را هم بگویید.

**پـرزاد:** اگر من کاره‌ای بودم، در این کار تغییر که از طریق آموزش و پرورش باید انجام شود، از دبیران هنر استفاده می‌کردم. کسی که از نزدیک مسائل آموزشی را لمس می‌کند ولی بعضی از مؤلفان کتاب‌های درسی کارشناس‌هایی از بیرون هستند. این درست است که آن‌ها تخصص دارند ولی آیا نیازهای جغرافیایی و مکانی مناطقی را که قرار است کتاب‌های هنر در آنجا تدریس شود، می‌دانند؟ الان در کتاب‌ها برای ما قالی‌بافی گذاشته‌اند اما حدود هفتاد درصد از دبیران ما آن را پس می‌زنند! چرا کارشناسان نمی‌روند و درباره چرایی این امر موشکافی نمی‌کنند؟ رشته‌هایی که در کتاب قرار می‌گیرند، باید کاربردی باشند. بعضی هنرها خوب است که زنده شوند ولی به دلیل نبود امکانات در استان‌های مختلف تدریس نمی‌شوند.

اگر شما می‌خواستید کتاب‌های هنر را متناسب با موارد مورد نیاز تألیف کنید، چه می‌کردید؟

**پـرزاد:** ملاک اصلی کتاب درسی است. معلم وقتی سر کلاس می‌رود آن را تدریس می‌کند و حتی موظف است که آن را تدریس کند و این ثابت شده است.

تیموری: حرف ایشان از این جهت درست است که کتاب از تمام فیلترهای قانونی رد می‌شود و به دست ما می‌رسد. ما هم موظف هستیم که آن را به‌خوبی تدریس کنیم. این اصل کلی را بپذیریم. من حرفم به عنوان یک ناظر هنری این است که به دبیران خوبمان بگوییم که کتاب دچار تغییرات خوبی شده است و معلم باید آن را تدریس کند.



اثر سعید دولتی / تکنیک: ترکیب مواد

تحويل می‌دهند. در مدارس ما هم هنوز فعالیت نشده می‌خواهیم نتیجه‌گیری کنیم. ۲. کارگاه هنر ایجاد کنیم؛ تا وقتی که کارگاه اختصاصی برای درس هنر نداشته باشیم و بچه‌ها این کارگاه را تجربه نکنند، نمی‌شود کاری کرد.

**تا به این مرحله برسیم که هر مدرسه صاحب کارگاه هنر بشود، قطعاً راه نکوبیده‌ای در پیش داریم.**

✿ **پرزاد:** راه دوری نیست. ما نیازمند این هستیم. چه‌طور به این رسیدیم که درس علوم باید آزمایشگاه داشته باشد؟ تمام درس‌هایی که دارند تدریس می‌شوند، اگر از راه هنر وارد شویم، آموزش آن‌ها راحت‌تر و صمیمانه‌تر خواهد بود.

**حالا شما نظر خود را در مورد صحبت‌های آقای پرزاد بگویید.**

✿ **دولتی:** اینکه ما کارگاه هنر داشته باشیم کاملاً ضروری است ولی وقتی می‌گوییم کارگاه هنر، می‌خندند؛ در حالی که می‌گویند کارگاه علوم خوب است!

چند سال پیش در سرمقاله مجله ضرورت کارگاه هنر در مدرسه را ذکر کردم. بحثی که وجود دارد این است که کارگاه هنر در بعضی جاها تحقق پیدا کرده و این نقطه عزیمتش نه اداره بوده نه مدیر بلکه همکاران ما بوده‌اند که بچه‌ها را به یاری گرفته و کارگاه هنر در مدرسه‌ها ایجاد کرده‌اند.

✿ **پرزاد:** البته در هنرستان این تعریف شده است. در دوره اول متوسطه و ابتدایی نه معلم آمادگی کارگاه دارد نه بچه‌ها.

باید نهضتی راه بیندازند. من چند روز پیش در رادیو گفتم که برای جا انداختن هنر خط خواهم این است که نهضت هدیه دادن خط را شروع کنیم. برای تدریس، تکیه کردن به سرمایه‌های هنری بومی و محلی اهمیت دارد. در همدان، در این مورد وضعیت چطور است؟

✿ **دولتی:** تا وقتی به هنر و رشته هنر و آدم‌هایی که در این مسیر می‌خواهند رشد کنند با نگاه خوب و جامع و متخصص نظر نکنیم، کارمان درست نمی‌شود.

**رشته تسلسل هنر پیوسته نیست و در دوره ابتدایی خلأ وجود دارد.**

✿ **پرزاد:** بحث خلأ نیست! دو تا مشکل بزرگ هست که باید حل شود. ۱. معلم خوب تربیت کنیم؛ در مقاله‌ای می‌خواندم که در کشور آلمان دوره ابتدایی به این شکل که ما داریم، وجود ندارد. چهار سال دوره اول تعدادی دانش‌آموز دارند. ۲۰ تا معلم می‌روند با آن‌ها زندگی می‌کنند در این چهار سال بچه را زیر ذره‌بین می‌گذارند و آداب زندگی کردن را به آن‌ها یاد می‌دهند. در طول این چهار سال، استعدادیابی می‌کنند و مثلاً می‌گویند آقای فلانی علاقه زیادی به هنر دارد و فلانی به فلان رشته. دوره راهنمایی واقعاً راهنمایی می‌شود. بخش تخصصی که پیش می‌آید می‌بینیم که نقاش‌های خیلی بزرگ دارند





اثر سعید دولتی / تکنیک: ترکیب مواد

تحصیلی ۹۴-۹۵ پیشنهادی دادم و مسابقات فرهنگی هنری همراه با کارگاه گذاشتیم. می‌دانید چقدر علاقه‌مندی ایجاد شد؟

بحث من این است که یکی از راه‌های تولید علاقه و انگیزه، این است که بچه‌ها را در میدان هنر قرار دهیم.

✿ **پرزاد:** شما در نظر بگیرید مثلاً فکر اولیه کانون‌های فکری کودکان و نوجوان چه بوده است. حرکت اولیه از آنجا شروع شده است و من شده‌ام پرزاد. کانون در متن زندگی ما بود؛ از داستان‌نویسی گرفته تا سفالگری و نقاشی. علاقه‌مند شدن بسیاری از ما به رشته‌های هنری از آنجا ریشه گرفته است و خانواده‌ها مشتاق بودند که ما این‌ها را یاد بگیریم.

شما و آقای دولتی باید کمک کنید تا چرخ آموزش به حرکت در بیاید. برای ارتقای آموزش هنر در آموزش و پرورش چه راهی را پیشنهاد می‌کنید؟

✿ **پرزاد:** باید تعریف درستی از هنر در خانواده‌ها و فضای آموزشی داشته باشیم.

اول یک اصل اساسی را گفتیم و آن هم این است که باید روی این کتاب کار کنیم. همین که ساعت هنر را به کارگاه بیاوریم، کار مهمی است.

✿ **پرزاد:** کارگاه اختصاصی هنر مورد نیاز است و مدیر همراه. می‌گوییم الان مقدور نیست. امسال دو مدرسه را مجهز کنیم و پله‌پله جلو برویم. سال بعد پنج مدرسه و همین‌طور پیش برویم.

تجربه نشان داده که وقتی بچه‌ها را به «لالجین پایتخت سفال» می‌برند و دنیای گل و شعور بخشیدن به گل را احساس می‌کنند. این خود به خود علاقه‌ای را در آن‌ها شکل می‌دهد. آیا این برای آموزش هنر کم ظرفیتی است؟ شما برای آموزش هنر چه می‌کنید؟ بچه‌ها را به این جاها می‌برید؟

✿ **پرزاد:** اینکه شما گفتید جالب است. البته این‌ها در حد حرف است. وقتی پایش می‌افتد، به مدیر می‌گوییم یک مینی‌بوس می‌خواهیم که کلاس را ببریم به چنین جایی، آیا همکاری می‌شود؟ آیا مدیر با ما هماهنگ می‌شود؟ نه ... می‌گویند بچه ریاضی یا علوم دارد. هنر اهمیت ندارد! اگر می‌بینید فعالیتی در بعضی جاها صورت گرفته، از همت عاشقانه دبیرانی است که دارند کار می‌کنند.

آیا قائل به این هستید که شهر شما ظرفیت‌های هنری دارد. به زبان هنر بفرمایید چه ظرفیت‌هایی دارد؟

✿ **پرزاد:** یکی از ویژگی‌های همدان این است که مسگری دارد. بچه‌ها را می‌توانیم یک روز، به دیدن مسگری یا حلبی‌کاری یا آهنی‌کاری ببریم. این کار یک هنر است. البته نمی‌خواهیم که او فقط ببیند این کار هنر است بلکه می‌خواهیم به خودش رجوع کند. باید بدانیم حلبیکار کجاست و روفوکاری کجاست. تمام این‌ها در ذهن می‌ماند ممکن است یک روز دانش‌آموز عکاس شود و این‌ها موضوع عکسش باشد. از دوره ابتدایی باید شروع کنیم نه اینکه بنشینیم تا دوره هنرستان.

✿ **دولتی:** من به اداره کل برای سال

❁ **دولتی:** انگیزه هم تأثیر دارد. معلمی آمده

است و به من می‌گوید من آمدم چقدر هزینه کردم و نمایشگاه گذاشتم. حالا رئیس آمده به من ۴۰ هزار تومان می‌دهد و این خیلی بد است. دبیران هنر تشویق نمی‌شوند. برایشان کارگاه می‌گذاریم و می‌گوییم لطف کنید شرکت در کارگاه، برای معلمان هنر در شمار ضمن خدمت محسوب شود. می‌گویند نه. خیلی از دبیران می‌گویند که دوره‌ها را برای دبیران ریاضی چقدر خوب برگزار می‌کنند ولی برای ما هنری‌ها نه! برای همین است که دبیران هنر هم می‌گویند ما رغبت نداریم.

شما از انگیزه بخشی صحبت کردید. انگیزه بخشی در کف کلاس برای دانش‌آموزان چطور؟ چطور باید مهر هنر را به دل بچه‌ها انداخت؟

❁ **دولتی:** گروه‌بندی خوب است. مثلاً بچه‌ها

را متناسب با ذوقشان دسته‌بندی کنیم. من مثلاً سه تا کلمه را می‌گویم (پیرزن، تفنگ، جنگل) و یک دفعه می‌بینم بچه‌ها، چه داستان‌سازی‌های زیبایی می‌کنند. بعد می‌گویم تصویرسازی کنید و می‌بینم که همه در تصویرسازی شرکت می‌کنند.

آن شور و حال خیلی ارزشمند است و نمی‌توان قیمتی روی آن گذاشت. ما این شور و حال را چگونه و چطور در بچه‌ها ایجاد و تقویت کنیم؟ نظرم این است که شما دربارهٔ مزایای گروه‌بندی دو صفحه مطلب بنویس و به مجله بفرست تا چاپ شود.

❁ **دولتی:** من گروه‌های هنری تشکیل

می‌دهم. اول سال از بچه‌ها می‌پرسم چه کسانی مثلاً دوست دارند خط کار کنند. و آن‌ها را در یک گروه قرار می‌دهم. بقیه هم به ترتیب در سایر رشته‌ها قرار می‌گیرند.

هنر معلمی این است که شما در ابتدا نقطه شروع را پیدا کنید.

❁ **دولتی:** من به دوستان می‌گویم به همه

رشته‌ها بپردازید و اگر می‌خواهید ما به شما منبع می‌دهیم و کمکتان می‌کنیم. بچه‌ها خودشان یک پا

هم‌فکر هستند.

❁ **پرزاد:** یکی از چیزهایی که خیلی به

آن علاقه دارم این است که ما در حساس کردن فرد و مسئولیت دادن به بچه‌ها تلاش کنیم. آن بحث حساس کردن مهم است ماهیگیری یاد دادن است. من در مدرسه ۴ سال درس ماکت‌سازی داشتم. تمام محصل‌هایی که در این چند سال با آن‌ها کار کردم، رتبه‌های منتخب کشوری هم شدند. خود بچه‌ها هم می‌گفتند که دو عامل در پیشرفت ما در این درس ماکت‌سازی تأثیر داشته است: ۱. رفاقتی که شما با ما داشتید؛ ۲. حساسیتی که با این درس در وجود ما ایجاد کردید. از همان اول که کار خراب آوردند تعریف بی‌خود نکردم. ما نباید بچه را مغلوب تشویق‌های کاذب کنیم.

نکاتی خوب در گفت‌وگو مطرح شد. به عنوان سخن پایانی، چه در سطح هنرستان‌ها و چه در سطح متوسطهٔ اول و ... اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

❁ **پرزاد:** عنوان کتابی این بود که تا ما

فکرمان را عوض نکنیم زندگی‌مان عوض نمی‌شود! باید فکر را عوض کنیم و هی نگوییم هنر به چه دردی می‌خورد! باید هنر را ارزشمند بدانیم.

در سال‌های دور فکری منجر به تأسیس هنرستان شد و نتیجهٔ آن فکر تربیت گرافیک‌ست‌ها و نقاشان حرفه‌ای است که در سطح کشور حرفی برای گفتن دارند.

❁ **دولتی:** این همه گروه‌ها و رشته‌های

مختلف که در کتاب آمده‌اند، وظیفهٔ من دبیر هنر را سنگین‌تر می‌کند. فضا رقابتی شده است و معلم باید از خودش بیشتر مایه بگذارد و به روز باشد.

یک معلم برای اعتبار خودش باید طوری باشد که هیچ‌وقت احساس نکند که دانش‌آموزش دارد از او جلو می‌افتد و همیشه باید روز آمد و به‌هنگام باشد. با تشکر از شما.